



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۳/۲۹

محمدآصف فقیری

چگونگی حاکمیت منشور یا حاکمیت قانون در سازمان ملل برای افغانستان چیست؟

حاکمیت منشور در سازمان برای کشور و رفتاری می باشد، که رفتار آن داخلی...!

شرح حقوق بین الملل:

تصور و آنچه چون توهم که در ذهن در تبیین حقوق بین الملل بالای حقوق داخلی می باشد، اشتباه و غلط است. البته در افغانستان سازمان های بین الملل نسبت به سازمان های داخلی معاش و حقوق کار عالیتر دارد، و چنین تصور می شود که: حقوق بین دول بالای حقوق داخلی تعالی دارد. ولی حقوق بین الملل بدور از کشورها و حقوق داخلی پدیداری ندارد. حتی سازمان هم در کشوری یعنی در نیویارک موقعیت دارد و عواید بر مصارف سازمان هم، توسط دولت ها پرداخته می شود. در صورتیکه خود حاکمیت یا حقوق داخلی در اختیار و آزادی تام چون حاکمیت اقتدار برتر می باشد و اگر بواسطه زور موردی را قبول کند حاکمیت و استقلال نیست، البته وابستگی تا رسیدن حالت مطلوب بحث دیگر موضوع می باشد، که حقوق داخلی خودشان اعلان کنند که حقوق بین الملل بالای حقوق داخلی برتری دارد مانند جرمنی که در قانون اساسی جرمنی چنین آمده است. که تاسیس این سلسله مراتب حقوق بین الملل بالای حقوق داخلی مطلقاً رفتار خودی داخلی می باشد.

و ضمانت اجرای حقوق بین دول هم: اصل وفا به عهد می باشد. که ضمانت اجرای حقوق بین الملل و سلسله مراتب مبحث تخصصی بوده، و بایستی بیشتر در مورد برای افغانستان پرداخت...

در نتیجه:

وجه تاسیسی و راه بیرون رفت از معضلات در افغانستان – از عنصر داخلی سازنده آغاز و سازمان ها و قدرت های بیرونی منطقه و فرامنطقه محرکه می باشند.

بطور مثال: جامعه سیاسی افغانستان ضرورت به جراحی دارد، که جراح مردم و افکار مردمی بوده و گزینه دومی نیست. در این حالت: اگر به سعادت جراحی نتوان رسید، رویکرد سازمان مقطعی و درد راه، تسکین می کند نه جراحی و این تسکین بستری برای منافع قدرت ها...

استفاده چینی قدرتها از دید افلاطون مرض دولتها بوده که مبتلا شده اند – اما از دید ماکیاوولی نه احسن و خوب و نه مرض و مبتلا به مرض دانسته شده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

اما در سیاست و حقوق بین الملل دید ماکیاوولی انتظام بخش می باشد و دید افلاطونی دید اخلاقی و زیب کتابها... بطور مثال: دو کشوری که هر دو سلاح هستوی دارند، هرگز در جنگ نظامی رو در رو نمی روند از مبانی احتیاط که مبدا وارد استفاده سلاح ممنوعه نشود. یعنی موجودیت اقتدار نظامی هند و پاکستان با سلاح های هستوی مسبب شده که هند از مسیر افغانستان وارد جنگ های نیابتی شود.

جراحان سیاسی داخلی:

در صورتیکه انجمن حقوقدانان سراسری افغانستان در محوریت فرد باشد نه اصول مجلات و انجمن حقوقی – چی پدیده های معرفت های علمی حقوقی را، به جامعه سیاسی بیرون کنند؟ تا فرصت و سعادت جراحی جامعه سیاسی مهیا گردد، یعنی در نخست حاکمیت قانون در انجمن باید و فرهنگ سیاسی جای فرد محوری را بگیرد. البته منظور از جراحی: آسیب شناسی عمیق تا بهترین تجویز که صورت العمل در فزیک داشته باشد، است. شرح چگونگی یوناما در افغانستان در لینک انترنتی باز نشر آریانا نیوز با بنده:

<https://youtu.be/utoN3fjbOkU?si=ln8L8B9G6k6FNTH2>